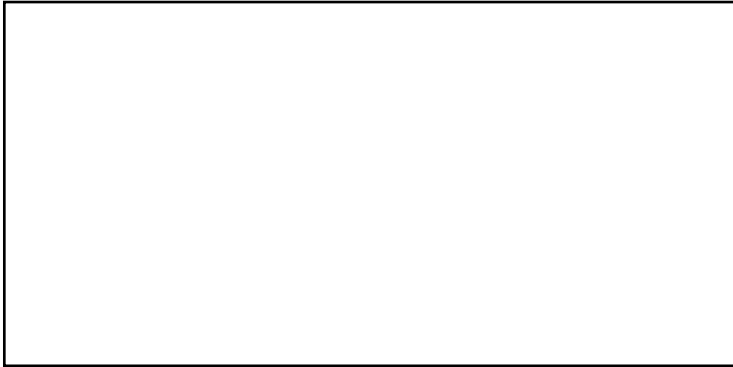


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دبیرخانه دائمی جشنواره بین‌المللی امام رضا علیه السلام

امام رضا علیه السلام در آئینه قرآن و عترت

ویراستار علمی: دکتر علی شریفی

صفحه‌آرایی: مجید اکبرزاده

ناشر: ..

نوبت چاپ: اول

تاریخ چاپ: تابستان ۱۳۹۱

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

سیره اخلاقی و تربیتی امام رضا علیه السلام از منظر قرآن کریم

شهرزاد و مریم کتابی

چکیده

از آنجا که مسائل مربوط به حوزه اخلاق و تربیت، برای همگان به خصوص صاحب نظران، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، پس این امر (اخلاق و تربیت) نیازمند کاوش، کوشش و پژوهش‌هایی می‌باشد. بنابراین، با توجه به اینکه ساحت نفسانی، باطنی، درونی و روحی از ساحت‌های وجودی انسان است و از طرف دیگر، آثار گران بهای تربیتی و اخلاقی جزء سرمایه‌های گرانسنگ آموزه‌های دینی و اسلامی به شمار می‌رود و خود زاینده اندیشه‌های ناب اسلامی و شاگردان مکتب قرآن، چون پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام از جمله امام رضا علیه السلام می‌باشد، لذا، بازشناسی، بازپژوهی، بازسازی و حتی بازتولید و بازآفرینی سیره‌های اخلاقی - تربیتی این گنجینه‌های اسلامی که منطبق بر آیات نورانی قرآن است، ما را برای رسیدن به اهدافی همچون، ایجاد بصیرت به جهت اهمیت و ضرورت تعالیم اخلاقی، تربیتی، و حیاتی، توسعه، تکمیل و تکامل میراث بزرگ اخلاقی یاری می‌رساند؛ در نتیجه، با مد نظر قراردادادن سیره رضوی که منطبق بر آموزه‌های قرآنی است، همچنین نوآمد کردن و پاسخ گو بودن مشکلات عصر حاضر، می‌توانیم به نوعی هماهنگی و برقراری تعادل بین امور دست یابیم.

در این راستا، مقاله حاضر بر آنست تا سیره اخلاقی و تربیتی امام رضا علیه السلام را با تطبیق بر آیات قرآنی، مورد تحلیل و بررسی قرار دهد.
واژگان کلیدی: سیره، تربیت، اخلاق، امام رضا علیه السلام، قرآن.

۱. مقدمه

اغلب شخصیت‌ها، تنها در معدودی از سویه‌ها و زمینه‌های وجودی خود به بلوغ می‌رسند و از آنجا که دارای اعتدال و جامعیت نیستند، نمی‌توانند از معارف نظری خود در رابطه با کم و کیف انجام اعمال مدد گیرند؛ چرا که حیطة عقل نظری و عقل عملی ایشان از هم جداست؛ بنابراین، نمی‌توانند معرفت کلی را با معارف جزئی درآمیزند؛ هرچند که در وادی اندیشه پیشتانزند، ولی در عرصه و میدان عمل، توانمند نیستند.

اما شخصیت‌های متعالی، از آنجا که به اتحاد عقل عملی و نظری رسیده‌اند و از طرفی معارف جزئی در پرتو معارف کلی روشن می‌شود، سالیان سال به عنوان الگوهای ماندگار، برای تمامی قرون، اعصار و دوران‌ها جاودانه خواهند ماند. پس آدمی همیشه در پی آن بوده که انسان‌های نمونه و ایده‌آل را در جهان بیرون مشاهده کند؛ چرا که او به طور فطری، دوستدار کمال و فضیلت‌های انسانی است و به افراد کمال یافته و آراسته به فضایل و زیبایی‌های معنوی و حقیقی عشق می‌ورزد و می‌خواهد با الگو گرفتن از آنان رفتارهای فردی و اجتماعی خویش را سامان دهد؛ زیرا، آنچه که انسان‌ها را در مسیر پرورش استعدادهای خویش و سیر الی الله، مدد می‌رساند و پیشرفت و ترقی را میسر می‌سازد، پیروی آگاهانه از اسوه‌ها و الگوهاست؛ چون انسان نمونه و الگو، راه‌های پرخطر و صعب‌العبوری را که، پیش روی دیگر انسان هاست، به سلامت گذرانده و از پیچ و تاب‌های آن و آفت‌های مسیر، همراهان و دوستان راه، علل و نحوه شتاب گرفتن و یا کند شدن و دیگر

مشکلات به خوبی آگاه است؛ بدین لحاظ، خداوند متعال که خالق انسان هاست و بر تمامی نیازهای وی آگاهی کامل دارد، با برانگیختن پیامبران از میان خود مردم و معرفی پیشوایان معصوم و عالمان وارسته، این نیاز را پاسخ گفته است.

حال، با توجه به آنچه گفته شد، امام رضا علیه السلام نیز یکی از امامان معصوم است که آراسته به فضائل و مناقب بسیار برجسته‌ای بوده و نیز شایسته‌ترین انسان عصر خویش است. لذا، حقیقت‌جویان و سعادت‌طلبان عالم که وجدانی آگاه و عقلی پویا دارند و بدون در نظر گرفتن آیین و اعتقادات خود، با مطالعه زندگی، رفتار و بررسی سیره‌های اخلاقی، تربیتی و سایر ویژگی‌های این شخصیت بزرگوار که همگی منطبق بر آیات قرآن کریم است، از عمق جان، شیفته ایشان شده و در موارد بسیاری، مطالعه همین سیره و اخلاق، آنان را به سوی حق و حقیقت رهنمون می‌سازد.

۲. کلیات بحث

پیامبران و اولیای خداوند، تندیس‌هایی از عظمت و مظاهری از کمالند که از قدیمی‌ترین زمان‌های تاریخ، در رهگذر فرهنگ انسانی، الهام بخش و راهنمای کاروان بشری به سوی فضیلت بوده و مدینه‌های فاضله و بهشت گمشده انسان را برای او نمایان ساخته‌اند و وی را در جهت دستیابی به سرچشمه کمال به تکاپو واداشته‌اند.

امام رضا علیه السلام نیز، یک شخصیت کامل انسانی با رفتارهای منطبق با آیات قرآنی است، قلبش سرچشمه محبت و صفاست و آثار پرهیزگاری، آزر و فروتنی بر چهره‌اش نمودار است. او جز از خداوند نمی‌هراسد و در تکاپوی حیات، جز بر او و بر اراده و کوشش راستین خود تکیه نمی‌کند. صاحب اخلاص، مدارا، صبوری، قناعت، شجاعت، قاطعیت و ... است. در عین اینکه از لذات پاک دنیوی بهره‌مند می‌شود، اما هیچ‌گاه به شهوات نمی‌گراید و غفلت و خودپرستی او را از راه رستگاری و فلاح به در نمی‌برد و با احساس وظایف انسانی و درک مسئولیت‌های فردی و اجتماعی، همواره مجری قوانین الهی است.

۳. اهمیت و ضرورت

در عصری که جهان در جاهلیت نوین، با اقطاب کفر و استکبار رودررو است و حرامیان بر سر راه کاروان انسانیت کمین کرده و با حیائل جادویی قرن بیستم، از حلقوم رسانه‌ها و ماهواره‌هایشان، شرارت و شیطنت می‌بارد و آوازه آیین‌های منسوخ در سینه‌ها مُرده از طرف دیگر، صنعت و دانش از پاسخ‌گویی به نیازهای معنوی انسان در مانده شده و علم و فن به استخدام شهوت و شرارت درآمده و نومیدی و یأس، خاکستر افسردگی بر مغزها و چهره‌ها پاشیده، بررسی سیره اخلاقی و تربیتی امام رضا علیه السلام و تطبیق آن با آیات قرآن، می‌تواند گامی کوچک، اما مؤثر در راستای معرفی ایشان به عنوان الگویی ناب و خالص، برای بهره‌برداری این عصر و اعصار بعدی باشد.

۴. اهداف

بررسی سیره اخلاقی و تربیتی امام رضا علیه السلام و تطبیق آن با آیات قرآنی، از دو بعد سیره نظری و عملی. معرفی ایشان به عنوان نماد حقیقت انسان و در یک کلام، نسخه تمام انسانیت همچون نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سایر ائمه معصومین علیهم السلام

۵. روش

انتخاب یک روش مناسب برای انجام پژوهش، از اهمیت خاصی برای محقق برخوردار است؛ چرا که روش، راه رسیدن به هدف است، پس انتخاب درست این هدف نه تنها به محقق کمک می‌کند که اطلاعات لازم را به منظور اتخاذ تصمیم مناسب جمع‌آوری نماید، بلکه، با استخراج صحیح این اطلاعات، می‌تواند گامی مؤثر در پیشبرد اهداف اعتقادی جامعه بردارد. پژوهش حاضر، مبتنی بر روش کتابخانه‌ای است که بر مبنای موضوع انتخابی از روش تحلیلی - تاریخی بهره‌جسته و همچنین با تطبیق و محوریت قرآن کریم و مراجعه به نهج‌البلاغه و احادیث معصومین، به آن جلوه‌های دیگر بخشیده است.

۶. سؤال و فرضیه

اساسی‌ترین سؤالی که در این مقاله مطرح شده این است که، سیره اخلاقی - تربیتی امام رضا علیه السلام، تا چه میزان منطبق بر آیات قرآنی است؟
فرضیه: امام رضا علیه السلام نیز همچون پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سایر معصومین علیهم السلام، تمامی اعمال، رفتار، حرکات و سکناات خویش را منطبق بر آیات قرآن نموده؛ چرا که در فرهنگ دینی، این پیشوایان آسمانی، پیش از آنکه برانگیخته شوند به اخلاق و تربیت الهی مودب شده اند.

۷. یافته‌های پژوهش

با بررسی سیره اخلاقی و تربیتی امام رضا علیه السلام و تطبیق آن با آیات قرآن کریم، دریافتیم که: ۱- نهاد اخلاق و تربیت رضوی، برخاسته از متن کتاب الهی، سنت رسول الله صلی الله علیه و آله و در امتداد آن، سیره و سخن ائمه هدی و تجسم عینی تربیت ربوبی است. ۲- تمامی اعمال و رفتار خاندان رسالت و اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله در سیره نظری و عملی، از آنجا که به گواهی قطعی و انکارناپذیر اسلام، همپا و هم آوای قرآنند، با حقیقت، محتوا و نیز پیام قرآن همگونی و سنخیت دارند. ۳- تبیین کنندگان مفاهیم وحی و حقایق قرآن، از جمله امام رضا علیه السلام، تمامی آموخته‌های خویش را که عیناً منطبق بر آیات الهی است، به تمامی جامعه عصر خویش و پس از آن تسری داده‌اند.

۸. سامانه پژوهش

مقاله حاضر در سه محور ذیل انسجام یافته است:

محور اول: کلیات بحث

محور دوم: تطبیق سیره اخلاقی (نظری و عملی) امام رضا علیه السلام با قرآن کریم.

محور سوم: تطبیق سیره تربیتی (نظری و عملی) امام رضا علیه السلام با قرآن کریم.

۹. تطبیق سیره اخلاقی (نظری و عملی) امام رضا علیه السلام با آیات قرآنی

امامان معصوم علیهم السلام هر کدام سرچشمه فضایل، رفتار شایسته و خلق زیبا بودند که با گفتار و رفتار مردم دوستشان، حتی دشمن را نیز به سوی خود جذب می کردند؛ چه بسا گمراهان که به وسیله اخلاق زیبای آنان هدایت می شدند. امام رضا علیه السلام نیز، مانند سایر معصومین علیهم السلام با بیان و رفتار خویش که برگرفته از آیات الهام بخش و انسان ساز قرآنی است، مردم را در حوزه جاذبه اخلاقی خویش قرار دادند و آن‌ها را به الفت و محبت، احسان و ایثار و ... واداشتند. در ذیل، به گوشه‌هایی از سیره اخلاقی امام رضا علیه السلام و تطبیق آن با آیات قرآنی اشاره خواهد شد.

۹-۱. خوش خلقی

در هندسه ارزش‌های دینی، اخلاق نیک، جایگاه کلیدی و بنیادین دارد؛ طوری که در مسلمان بد اخلاق، از ایمان ناقص و دین ناکامل برخوردار است. امام رضا علیه السلام نیز از چنان اخلاق خوب و نیکی برخوردار است که همین امر، سبب دوستی عام و خاص با وی شده و حضرت، مصداق این آیه شریفه از قرآن کریم است که در مورد رسول اکرم صلی الله علیه و آله نازل شده. در این آیه، خداوند می فرماید:

«وَأِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم، ۴) «به راستی که (ای پیامبر) خلق و اخلاقی بس بزرگ و با عظمت داری» «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ» ... (آل عمران، ۱۵۹)

«(ای رسول)! رحمت خدا تو را با خلق، مهربان و خوش خوی گردانید و اگر تندخو و سخت دل بودی، مردم از گرد تو متفرق می شدند».

از «ابراهیم بن عباس» نقل شده است: «امام رضا علیه السلام از مردم رو بر نمی گرداند و همواره با خلق خوش و نیکو از آنان استقبال می کرد.» این عمل حضرت، همچون آهن ربایی پر قدرت، مردم را به سوی خویش جذب می نمود. (مجلسی، ۴۹/۹۱)

در جایی دیگر آمده است: «مهمانی بر امام رضا علیه السلام وارد شد و تا پاسی از شب گذشته نزد آن حضرت نشسته بود و سخن می گفت. در این میان، چراغ به هم خورد و مرد برای اصلاح آن دست دراز کرد. امام رضا علیه السلام با خلقی بسیار خوش و

لحنی مهربان او را از این کار باز داشت و خود به اصلاح چراغ پرداخت، سپس فرمود: و ما گروهی هستیم که هرگز مهمان را به کار وافی داریم». (شیخ کلینی، ۳۰۳/۶)

تواضع و فروتنی

آب از بالا به پستی در رود
آنکه از پستی به بالا بر رود
گندم از بالا به زیر خاک شد
بعد از آن او خوشه‌ی چالاک شد

(مولانا، ۴۰۴)

«تواضع» از ماده وضع، در اصل به معنی فرو نهادن است. بعضی از ارباب لغت تواضع را به معنی «تذلل» تفسیر کرده‌اند و منظور از تذلل در اینجا، فروتنی و تسلیم است. در جایی دیگر آمده است: «تواضع، عبارتست از، شکست نفسی‌ای که نگذارد آدمی خود را بالاتر از دیگری ببیند و لازمه آن، کردار و گفتار چندی است که دلالت بر تعظیم دیگران و اکرام ایشان می‌کند». (نراقی، ۳۰۰) تعبیر «فروتنی» در فارسی، دقیقاً همین معنا را می‌رساند و این مسئله، از خلال گفتار و رفتار انسان‌ها نمایان می‌شود. در جایی از امام رضا علیه السلام در مورد حد تواضع سؤال شد، حضرت فرمودند: «تواضع، درجات و مراحل دارد، یکی از مراحل آن، این است که انسان، قدر و موقعیت نفس خویش را بداند و آن را در همان جایگاه با قلبم سلیم و پذیرش درون، جای دهد. دوست نداشته باشد کاری درباره کسی انجام دهد، مگر همانند کارهایی که درباره او انجام می‌دهند. هرگاه بدی از کسی ببیند، آن را با نیکی پاسخ دهد. خشم خود را فرو برد و از گناهان مردم در گذرد و آن‌ها را مورد عفو قرار دهد؛ چرا که خداوند نیکوکاران را دوست دارد». (کلینی، ۱۲۴/۲)

این صفت پسندیده و نیکو (تواضع و فروتنی) همان طور که گذشت، تنها منحصر به سیره نظری امام رضا علیه السلام نیست، بلکه در سیره عملی حضرت هم، موارد فراوانی ذکر شده است؛ از آن جمله: «امام رضا علیه السلام وارد حمام شد، مردی که آن حضرت را نمی‌شناخت به او گفت: بدن مرا مالش ده! امام رضا علیه السلام شروع به مالش بدن او

فرمود و هنگامی که مردم آن مرد را متوجه عملش کردند و حضرت را شناخت، با پریشانی شروع به عذرخواهی و پوزش کرد، اما امام رضا علیه السلام همچنان به مالش بدن او ادامه داد و او را دلداری می‌داد» (ابن شهر آشوب، ۴/ ۳۶۲). حضرت رضا علیه السلام حتی در دوران ولیعهدی و تصدی بالاترین مقام در دولت اسلامی نیز، به قدری فروتن و با تواضع بود که به هیچ یک از محافظان و غلامان خویش دستور نمی‌داد که کارهای او را انجام دهند، بلکه خود تمام آن‌ها را انجام می‌داد و دیگران را نیز به این عمل توصیه می‌نمود؛ چنانکه نقل شده است:

«روزی امام رضا علیه السلام بر مأمون وارد شد. دید او وضو می‌گیرد و غلامش به دست او آب می‌ریزد. حضرت فرمود: هیچ کس را در عبادت خدا شریک قرار نده. مأمون، غلام را رد کرد و خود وضویش را به پایان رسانید» (اربعی، ۳/ ۱۰۸). در قرآن کریم، آیات ذیل اختصاص به این صفت پسندیده اخلاقی دارد که امام رضا علیه السلام نیز در گفتار، کردار و تمامی اعمال و حرکات خویش، از آن‌ها بهره جسته و به این دلیل، مورد ستایش بسیاری از افراد و حتی دشمنان خویش نیز قرار گرفته است.

«...يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ» (مائده، ۵۴)

«وَعِبَادَ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا» (فرقان، ۶۳)

۹-۲. مساوات و برابری

پیش قرآن بنده و مولا یکی است

بوريا و مسند دييا یکی است

(اقبال لاهوری، ۷۳)

مساوات و برابری در سیره رضوی، برخاسته از منطق قرآن کریم است که آدمیان را به آزادی و دادگری نوید داده است. در این منطق، نه سفید را بر سیاه مزیتی است و نه عرب را بر عجم؛ نه زمامداران بر شهروندان برتری دارند و نه حاکمان بر مردمان. همه انسان‌ها، بی‌هیچ امتیازی در جامعه برابرند و از حقوق عمومی و اجتماعی یکسانی بهره‌مندند.

«بَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات، ۱۳) این نگرش قرآن به انسان‌ها و نیز پیامبر صلی الله علیه و آله و در امتداد سیره آن ائمه معصومین، از جمله امام رضا علیه السلام از عمده عوامل جذب دل‌ها به اسلام بود. به گفته جواهر لعل نهرو: «مسئله برابری و مساواتی که مسلمانان به آن ایمان دارند و براساس آن زندگی می‌کنند، روی افکار هندوها تأثیر عمیقی گذاشته به ویژه طبقات محرومی که مناسبات اجتماعی هند آنان را از مساوات و بر خورداری از حقوق انسانی محروم ساخته است» (شریف قرشی، ۲۰۲).

«عبدالله بن صلت» از مردی اهالی بلخ، روایت کرده که گفته است: «من در سفر امام رضا علیه السلام به خراسان در خدمت او بودم. یک روز دستور فرمودند سفره غذا را بیندازند. در کنار سفره، همه غلامان آن حضرت از سیاه و غیر آن گرد آمدند. من به آن جناب عرض کردم: فدایت شوم! کاش برای این‌ها سفره جداگانه ای انداخته می‌شد». امام رضا علیه السلام فرمود: «پروردگار ما یکی است، پدر و مادر ما هم یکی است و پاداش خدا هم به کردار است». (کلینی، ۲۳/۴) در جای دیگر نقل شده است، شخصی به امام عرض کرد: «به خدا سوگند که تو از شایسته‌ترین مردانی! امام علیه السلام در پاسخ به او فرمود: اغراق مکن! کسی که از خدا بترسد و او را اطاعت کند، از من بهتر است. به خدا قسم این آیه نسخ نشده است که می‌فرماید: «همانا بهترین شما نزد خداوند، پرهیزگارترین شماست». (حجرات، ۱۳) امام رضا علیه السلام با وجود دارا بودن منصب ولایت عهدی نیز با سیره عملی خویش به مردم آموخت که رنگ و نژاد، باعث برتری افراد نسبت به یکدیگر نیست و همه با هم برابرند. «ابراهیم بن عباس» می‌گوید: «شنیدم که علی بن موسی الرضا علیه السلام گفت: به آزادی سوگند می‌خورم و وقتی به آزادی سوگند خوردم، یکی از بردگانم را آزاد می‌کنم و من خودم را بهتر از این نمی‌دانم (و اشاره به برده‌ای سیاه کرد که در خدمتش مانده بود - به حساب خویشاوندیم با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، غیر از این که کار خوبی انجام دهم تا خداوند عوض بهتری به من بدهد». (خمینی، ۱۲۸/۱۷)

بنابراین، در اخلاق رضوی که منطبق بر فرهنگ قرآنی است، قدر و قیمت و

ارزش آدمیان، به ملاک‌های ظاهری و طبقاتی نیست، بلکه به ملاک‌های باطنی و حقیقی است که ظهور، جلوه و ثمره مفیدی دارد. پس، تنها ملاک برتری آدمیان نسبت به یکدیگر میزان علم و تقواست. به بیان امام خمینی (ره): «ارزش در لسان انبیاء و در لسان اولیای خدا و در رأس قرآن کریم و رسول اکرم (ص)، به علم و تقواست. میزان ارزش این دو خاصه است - علم و تقوا توأم» (مجلسی، ۲۸/ ۱۲).

۹-۳. جود و سخاوت

«جود و سخاوت»، در مقابل «بخل» است که البته جود، مرحله بالاتری از سخاوت است و در تعریف آن گفته‌اند: «جود، بخشش بدون درخواست است؛ در عین حال که بخشش خود را کوچک بشمارد». بعضی نیز گفته‌اند: «جود، خوشحال شدن از درخواست مردم و شاد گشتن به هنگام بخشش است». به هر حال جود و سخاوت، از فضائل مهم اخلاقی است و بخل، نشانه پستی و حقارت، ضعف ایمان و فقدان شخصیت است. جود و سخاوت، نشانه ایمان و شخصیت والای انسان است. هر چند این دو واژه - «جود» و «سخاوت» - در آیات قرآن مجید به کار نرفته، اما منطبق بر مفاهیم قرآنی بوده و قرآن نیز برای آن ارج و منزلت فراوانی قائل شده است. انفاق اموال در راه خدا، ایثار اموال و جهان‌ها، انفاق از آنچه خود به آن نیازمندیم یا آن را دوست داریم و ... از جمله، تعبیرات قرآن برای توصیف سخاوت است:

«وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا». (انسان، ۹ - ۸)

«مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِئَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ». (بقره، ۲۶۱)

«الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ». (بقره، ۲۷۴)

«لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ». (آل عمران، ۹۲)

«الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ». (بقره، ۳)

«وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا».
(اسراء، ۲۹)

بدیهی است که سیره اخلاقی امام رضا علیه السلام در جود و سخاوت نیز، منطبق بر تمامی آیات ذکر شده است و بسیاری از بزرگان به این امر اشاره می‌کنند.

«بن ابی الحدید معتزلی» یکی از علمای بزرگ اهل سنت می‌گوید: «علی بن موسی الرضا علیه السلام، داناترین، با سخاوت‌ترین و بزرگواری‌ترین مردمان، از جهت اخلاق و رفتارهای انسانی بود». (ابن ابی الحدید، ۱۵ / ۲۹۱)

در سیره اخلاقی امام رضا علیه السلام نوشته‌اند: «هنگامی که امام رضا علیه السلام در خراسان بود، آنچه داشت به فقیران می‌داد. بخشش ایشان به قدری زیاد بود که «فضل بن سهل» به او ایراد گرفت و گفت: «این کار شما ضرر است» و امام در پاسخ فضل فرمود: «هنگامی که چیزی را برای پاداش و سخاوت دادید، آن را از بین نبرید. بخشش ضرر نیست، بلکه یک سود است». (مجلسی، ۳۹ / ۷۵)

ای دوست تا که دسترسی داری

حاجت بر آر، اهل تمنا را

زیرا که جستن دل مسکینان

شایان سعادت است توانا را

۹-۴. گره‌گشایی

«وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا».
(مریم، ۳۱) «و مرا وجودی پربرکت (گره‌گشا) قرار ده، در هر کجا باشم».

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه می‌فرماید: «مقصود از «جعلنی مبارکاً» حضرت عیسی علیه السلام است که خداوند، وجود وی را برای مردم بسیار سودمند و مفید قرار داده است.» این مسئله به طور بسیار زیبایی در سیره عملی امام رضا علیه السلام مشاهده می‌شود. چنانکه حضرت در پاسخ به یکی از شاگردانش به نام «علی بن شعیب» که از وی می‌پرسد، بهترین مردم کیست؟ می‌فرماید: «من حسن معاش غیره فی معاشه». «کسی که زندگی دیگران از ناحیه او نیکو می‌شود». سپس ادامه می‌دهند: «می‌دانی چه کسی از نظر زندگی از همه مردم بدتر است؟ کسی

که دیگران از زندگی او بهره‌ای ندارند» و باز ادامه می‌دهد: «ای علی! نعمت‌هایی را که دارید، نیکو قدرشناسی کنید و اطمینان نداشته باشید که همیشه برای شما برقرار بماند و اگر از دست رفت، چه بسا دیگر باز نگردد. ای علی! بدترین مردم کسی است که کسی از ناحیه او بهره‌مند نمی‌شود، مهمان یا کسی را که به او حاجتی دارد، راه نمی‌دهد و تنها خور است و نسبت به زیردستان خود، خشمگین و سخت گیر می‌باشد» (شیخ صدوق، ۸۸) در جایی دیگر چنین آمده: «شخصی نزد امام رضا علیه السلام آمد و به او سلام داد و گفت: «من یکی از آن‌هایی هستم که تو و پدرت را دوست می‌دارد. من از حج برگشته و پول و داراییم را تمام کرده‌ام و هیچ پولی ندارم تا به منزل برسم. از تو خواهش دارم، مرا به وطنم بازگردانی. وقتی به منزل رسیدم، آنچه را که تو به عنوان صدقه به من داده‌ای، به فقیری می‌دهم». امام علیه السلام به آن مرد فرمود: «خدای من به تو خیر دهد. این دوپست دینار را بگیر و برای رفع احتیاج خود صرف کن و آن را از طرف من، به عنوان صدقه، به فقیر مده». بعد از رفتن مرد «سلیمان جعفری» رو به امام کرد و پرسید: «شما مقدار زیادی پول به آن مرد بخشیدید در حالی که صورتت را پوشاندی؟» امام رضا علیه السلام در پاسخ به او گفت: «این کار را از این جهت انجام دادم که مبدا آثار حقارت و شرمندگی را به خاطر برآورده شدن حاجتش، در صورتش ببینم». (مجلسی، ۲۸/۱۲)

بعضی از مردم گمان می‌کنند که عبادت، تنها به نماز خواندن و روزه گرفتن و زیارت رفتن و انجام اعمال مستحبی است؛ در حالی که افراد بسیاری در جامعه وجود دارند که سخت به خیرخواهی و گره‌گشایی آنان نیازمندند و شرم و حیا، مانع از به زبان آوردن نیاز آنان است. تاریخ، موارد فراوانی از گره‌گشایی در حل مشکلات مردم را در سیره رضوی ثبت کرده و امام رضا علیه السلام در بسیاری از موارد، بدون آنکه مردم از وی بخواهند، در حل امور آن‌ها کوشیده است.

۹-۵. عفو و گذشت

عفو و گذشت صفت اخلاقی مثبتی است که قرآن کریم، عموم مسلمانان را به انجام آن ترغیب و تشویق نموده و در قرآن، موارد متعددی از این صفت (عفو و گذشت) مشاهده می‌شود:

«خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ». (اعراف، ۱۹۹)
 «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ
 الْمُحْسِنِينَ». (آل عمران، ۱۳۴)

«پرهیزکاران از آن‌ها هستند که ... خشم خود را فرو می‌برند و از خطاهای مردم درمی‌گذرند و خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد.» و نیز می‌فرماید:
 «... وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (نور، ۲۲) «...»
 باید عفو کنید و لغزش‌های دیگران را نادیده بگیرید. آیا دوست نمی‌دارید خداوند شما را ببخشد و ...».

«... وَإِنْ تَعَفُّوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (تغابن، ۱۴) «... اگر عفو کنید و صرف نظر نمایید و ببخشید، [خدا شما را می‌بخشد] چرا که خداوند آمرزنده و مهربان است.»

«وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ» (شورا، ۴۰) «و کيفر بدی مجازاتش همانند آن است و هر کس عفو و اصلاح کند، اجر و پاداش او با خدا است؛ که خداوند ظالمان را دوست نمی‌دارد.»
 «... فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ» (حجر، ۸۵) «... از آن‌ها (دشمنان) به خوبی صرف نظر کن»

راغب اصفهانی می‌گوید: «هر چند «عفو» و «صفح» به یک معنی و هر دو در مورد گذشت و چشم‌پوشی از تقصیر دیگران است، ولی باید دانست که واژه «صفح» در افاده این معنی رساتر است» (راغب اصفهانی، ۱۸۰) زیرا در صفح، علاوه بر مفهوم گذشت، رو نیاوردن و روی گرداندن و گناه طرف را نادیده گرفتن نیز، ملحوظ است. امام رضا علیه السلام نیز در ذیل آیه شریفه «... فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ» فرمود: «العفو من غير عتاب» (بحرانی، ۲/ ۳۵۳) «مقصود از صفح، عفو کردن بدون سرزنش است». این مسئله، همچون سایر رفتارهای پسندیده اخلاقی ایشان، باز هم منطبق بر آیات الهام بخش قرآن کریم است. بهترین نمونه عملی پذیرش عذر و عفو و بخشش حضرت، مورد مربوط به شخصی است که بر امام رضا علیه السلام وارد شد و به حضرت اعتراض کرد که چرا با وجود اینکه مأمون را می‌شناسی، اما ولایتعهدی

وی را قبول نموده‌ای. آن گاه حضرت به وی گفت: «دشمنه‌ای را که زیر پیراهنت داری بیرون آور و به سخنان من گوش فراده.» سپس حضرت دلایل خود را از پذیرش ولایتعهدی برای او و سایرین شرح داد؛ به گونه‌ای که مرد از عمل خویش شرمنده شد و از امام علیه السلام خواست تا وی را ببخشد. حضرت با رویی گشاده عذر وی را پذیرفت و بدین ترتیب عفو و گذشت و چشم‌پوشی و ملامت نکردن امام رضا علیه السلام نسبت به آن مرد، سبب شد که وی و تعداد زیادی از خاندانش مسلمان شوند.» (مجلسی، ۴۹ / ۱۰۲)

«ان اعتذر الصديق اليك يوما

من التقصير عذر اخ مقرر

فضنه عن عتابك واعف عنه

فان الصفح شيمه كل حر»

(دلشاد تهرانی، ۴۸)

«هرگاه دوست تو برای عذرخواهی نزد تو آمد و به اشتباه خود اقرار کرد، او را سرزنش مکن و از وی درگذر؛ چرا که عفو بدون ملامت، خوی آزاد مردان است.»

۹-۶. شکیبایی

صبر جمله انبیا با منکران

کردشان خاص حق و صاحب قرآن

(مثنوی معنوی، ۱۴۰۸ - ۱۴۱۰)

«شکیبایی» که از آن به مفاهیمی چون صبر، استقامت و بردباری یاد می‌شود، مانند اصول دیگر، ریشه در توحید دارد و از آبشخور توحید آب می‌گیرد و جان می‌یابد. در قرآن کریم، هفتاد بار مقوله صبر مطرح شده که ده مورد آن، مرتبط با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است و امام رضا علیه السلام نیز، جزء والاترین بندگان خاص خدای رحمان در رحمت ورزیدن و شکیبایی نمودن است. وی، یکی از بهترین الگوهای رفتاری و جلوه کامل رعایت آیات قرآنی بودند؛ و این امر، در نزد ایشان به قدری پسندیده و نیکو بود که می‌فرمودند: «مؤمن را مؤمن ندانند تا آنکه در او سه خصلت باشد؛ سنتی از پروردگارش، سنتی از پیامبرش و سنتی از امامش؛ اما سنت خدایش،

رازداری است، سنت پیامبرش، رفق و مدارا با مردم و سنت امامش، شکیبایی در سختی و صبر کردن در همه احوال است». (سرچشمه‌های نور، ۱۲۰)

امام رضا علیه السلام در زمان خلافت هارون در برابر انواع ستم‌ها و سختی‌ها، تحمل و شکیبایی فرمود. «وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ» (سجده، ۲۴) از آن جمله، می‌توان به حسب طولانی پدر و مصیبت او، مشاهده انواع شکنجه‌ها و عذاب‌هایی که در این دوره به علویان وارد شد و بالاخره، سعایت ناجوانمردانه دشمنان او، نزد هارون، برای کشتن و از میان بردن ایشان، اشاره کرد:

«أَوْلَيْكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأَوْلَيْكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ» (بقره، ۱۵۷)

شکیبایی و بردباری آن حضرت در دوره خلافت مأمون و در برابر سیاست مرموز و مزدورانه و پشت پرده او، به ویژه پس از تفویض ولایتعهدی، درجه صبر و تحمل آن حضرت را آشکار می‌سازد؛ چنان که امام رضا علیه السلام به خوبی می‌دانست که مأمون در رفتار و کردارش با او اخلاص ندارد و آنچه درباره او روا می‌دارد، تنها یک نمایش سیاسی است که می‌خواهد با یک بازی ماهرانه، از طریق واگذاری ولایت عهدی که موضوعی پرسروصدا است و انعکاس گسترده‌ای دارد، از نتایج آن بهره‌گیری و پایه‌های لرزان حکومت خود را استوار سازد. «وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُم بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ». (نحل، ۹۶)

یاسر، خادم امام رضا علیه السلام می‌گوید: «امام رضا علیه السلام در دوران ولایتعهدی، از ناراحتی و فشار درونی رنج می‌برد و از سوء رفتار مأمون و دستگاه او، دچار حزن و اندوه بود؛ ولی همه این تلخی‌ها و ناراحتی‌ها را با صلابت و صبر و سکوت تحمل می‌فرمود: «بَلَىٰ إِن تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّن فَوْرِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ». (آل عمران، ۱۲۵)

«وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (انفال، ۴۶)

صبر مه با شب منور داردش

صبر گل با خار اذفر داردش

(«اذفر» به معنی تیزیو، پریو، تندبوی و بسیار بدبو است. معین، ۱/ ۱۸۴)

۹-۷. معروف گستری و منکر ستیزی

امر به معروف، امر و فرمانی است به آنچه که مطابق با کتاب و سنت باشد و نهی از منکر، بازداشتن از چیزهایی است که نفس و شهوت به آن تمایل دارد. «معروف» در جامعه‌شناسی، معادل «ارزش» است و ارزش‌ها که بنیادی‌ترین عامل در تبیین و شناخت هنجارهای اجتماعی هستند، بر عقاید مشترک اجتماعی، درباره آنچه خوب، درست و مطلوب است، استوار می‌باشند؛ ولی منکر جزء ضد ارزش‌های دینی و مانع حاکمیت و تثبیت معنویت، در زندگی انسان‌ها محسوب می‌شود.

درس‌خوان و سیره اخلاقی امام رضا علیه السلام نیز اهتمام به این دو فریضه کاملاً مشهود و ملموس است. چنانکه ایشان در جایی فرمودند: «شما باید امر به معروف و نهی از منکر کنید و گرنه خدا، بدترین شما را بر شما مسلط خواهد کرد و آن گاه بهترین شما، دعا خواهند کرد ولی به آن‌ها جواب داده نخواهد شد». (کلینی، ۱ / ۳۴۳) «التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ» (توبه، ۱۱۲): «مؤمنان توبه‌کنندگانند، عبادت‌کنندگانند، سپاس‌گویان و سیاحت‌کنندگان، رکوع‌کنندگان و سجده‌آوران به معروف، نهی‌کنندگان از منکر و حافظان حدود [و مرزهای] الهی و بشارت بده [به این چنین] مؤمنان».

«معروف گستری» امام رضا علیه السلام بر اموری چون تشویق (احزاب، ۴۳؛ مریم، ۶؛ بقره، ۱۰۲)، مراقب بودن نسبت به دشمن (تغابن، ۱۴)، سبقت در کار خیر (مائده، ۴۸)، عفو و گذشت نسبت به خلاف‌هایی که مربوط به وی انجام گرفته (بقره، ۱۰۹)، سفارش یکدیگر به صبر و رحمت (بلد، ۱۷)، خدمت خالصانه به مردم (کهف، ۷۷)، مردمی بودن (بقره، ۱۹۹) شجاعت و صلابت (یوسف، ۸۳) و ... منکر ستیزی ایشان نیز در مسائلی از قبیل: تفرقه (آل عمران، ۱۰۳-۱۰۹؛ حجرات، ۱۰)، قطع پیوند خویشاوندی (نساء، ۱)، بد اخلاقی و برخورد خشن و ناجب (آل عمران، ۱۵۹)، اسراف و تبذیر (طه، ۱۲۸)، ستمگری (مؤمن، ۲۱) و ... از جمله مواردی است که در جای جای قرآن کریم به آن‌ها اشاره شده و سیره رضوی چه به صورت عملی و چه به صورت نظری، عیناً بر آن منطبق است.

۱۰. تطبیق سیره تربیتی - نظری و عملی حضرت رضا علیه السلام با آیات قرآنی

مردان الهی، همواره سعی داشته‌اند آفتاب حکمت و روشنایی را بر فراز زندگی فرزندان و آیندگان پرتوافکن سازند و گفتارهای تربیتی نفیسی برای آنان به یادگار نهند. شیوه این مربیان بزرگ، این است که جهان درون انسان را آن گونه که باید باشد به او می‌نمایانند، اما این نمایش‌ها ایشان را به درون زیبایش، رهنمون سازد. سیره تربیتی امام رضا علیه السلام نیز همچون دیگر جلوه‌های وجودی ایشان، هرگونه پیام تربیتی را در قالب کلام، رفتار، الگو، شخصیت، تجربه و ... به همگان عرضه می‌دارد. در این قسمت به گوشه‌هایی از سیره تربیتی رضوی که منطبق با آیات نورانی قرآن کریم است، اشاره خواهد شد.

همه دردها از تو و خود نبینی

همه نسخه‌ها در تو و خود بخوانی

تو یک لفظی اما طلسم عجایب

دریغا که معنای خود را ندانی

(شهریار، ۵/ ۲۴۶)

«قلب»، پایگاه نفس است، که گاه با واژه انسان، عقل و روح مترادف می‌شود. اگر نفس تربیت یابد، همه «وجود» تربیت می‌شود. شناخت نفس، بهترین و با ارزش‌ترین معرفت هاست و این گونه معرفت، ریشه و پایه تمام خوبی‌ها. از مضمون برخی روایات برمی‌آید که امامان معصوم علیهم السلام، دستور داده‌اند «راه رسیدن به هر زیبایی و خیری، باید از طریق معرفت نفس باشد».

در تعالیم تربیتی امام رضا علیه السلام عالی‌ترین و زیربنایی‌ترین موضوع خودشناسی، «معرفت نفس» معرفی شده؛ چنانکه ایشان به نقل از امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: «ولا معرفة كمعرفة تفك بنفسك» (مجلسی، ۱۶۵/۷۸) «هیچ معرفتی به پای خودشناسی نمی‌رسد» و در جای دیگر می‌فرمایند: «هرکس نفس خود را محاسبه نماید، نفع برده و هر که از آن غافل باشد ضرر کرده است». (کلینی، ۲/ ۱۱۱)

در روایت آمده است: «احمدبن ابونصر بزنتی» یکی از شاگردان و اصحاب خاص امام رضا علیه السلام بود. شیء مهمان حضرت علیه السلام بود. امام، بستر خودش را برای او

گستراند و شخصاً ملحفه و لحاف را به رویش انداختند تا او بخوابد. در این هنگام، احمد به خود بالید که کیست مانند من، در خانه ولی خدا و بر خوابگاه او؟ امام رضا علیه السلام او را صدا زدند که ای احمد! امیرمؤمنان علیه السلام از «صعصعة بن صوحان» عیادت کرد و به وی فرمود: «... به این که تو را عیادت کردم، بر دیگران مباحات مکن و مواظب نفس خویش باش...» (مجلسی، ۴۹/ ۳۶)

آنچه از سخن امام رضا علیه السلام فهمیده می‌شود، همین آیه شریفه «فَطِرَّةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» (روم، ۳۰) می‌باشد که انسان‌ها در وجدان ناخودآگاه خویش از این معرفت خودشناسی کم و بیش بی‌بهره نیستند، اما اکثریت آنان در وجدان خود آگاه از آن غافلند. «وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (اعراف، ۱۸۷) و آنچه مهم است، آگاهانه در این راه گام نهادن و خویشتن خویش را باز یافتن است، تا از این راه خدا را بشناسی و به مسئولیت‌های انسانی و الهی راه یابی.

۱۰-۱. انس و محبت خدا

برخی بر این باورند که دوستی‌ها و محبت‌ها، معمولاً تابع منافع و بهره‌های شخصی است. اینان فقط کسانی را دوست دارند که از طرف آن‌ها سودی، متوجه‌شان باشد و گرنه برای دوستی معنی و مفهومی درک نمی‌کنند؛ به همین جهت، بعضی تصور کرده‌اند که دوستی و محبت خدا، چون متضمن نفعی نیست، پس معنی هم ندارد. «دیل کارنگی» نویسنده و سخنران شهیر انگلیسی، در این باره می‌گوید: «برخلاف آنچه که می‌گویند میان دو نفر دوست، قید و شرطی نیست، من می‌گویم هر چه محبت و دوستی میان دو نفر بیشتر باشد، باید بیشتر به رعایت احترام، آداب و اخلاقیات انسانی ملتزم و عامل باشند». (دیل کارنگی، ۴۰) این سخن نویسنده غربی را، اسلام، قرن‌ها پیش از این گفته و دستور داده و عمل و روش بزرگان علم و عرفان هم بر این هنر استوار بوده است.

امام رضا علیه السلام همچون دیگر پیشوایان اسلام، با آن همه عشق و محبت به ذات اقدس ربوبی، همواره این حالت انس و محبت را با خود به همراه داشت؛ لذا، باید این حالات را هنگام آغاز عبادت و نماز، هنگام تکبیره الاحرام در قنوت، هنگام قیام، رکوع و سجود و ... مطالعه کرد.

«ابوضحاک» می گوید: «امام رضا علیه السلام خداترس ترین مردم عصر خود بود. به خدا سوگند! من هرگز کسی را ندیدم که تا این حالت، انس و محبت خدای را در دل خویش جای داده باشد...» (کلینی، ۲۶/۱۲)

«يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ» (مائده، ۵۴) «آن‌ها را دوست می‌دارد و آن‌ها او را دوست می‌دارند». امام رضا علیه السلام نه تنها خود انس و محبتی خاص با خدای یکتا دارد، بلکه با رهنمودهای ارزشمند خویش، دیگران را به شناخت خدا، محبت و انس با ذات حق تعالی دعوت می‌نماید. «سرآغاز عبادت، معرفت و شناخت اوست و ریشه معرفت هم توحید و یکتا دانستن پروردگار متعال و ...» (شیخ صدوق، التوحید، ۹۸)

۱۰-۲. ارشاد و هدایت

امام رضا علیه السلام با آنکه حکومتی تشکیل نداد، اما برای ارشاد و هدایت مردم از هیچ کوششی دریغ نورزید. هرچند در آن عصر، کوشش‌های علمی و فکری گسترش یافته بود و مکاتب و امواج فکری و فلسفی متعددی به وجود آمد، اما غلو و تفکرات انحرافی، چون علف‌های هرز و قارچ‌های سمی در بوستان اندیشه و معرفت رویدند. حضرت با بیانات عمیق و روشنگری‌های بسیار زیرکانه به جدال‌های فکری و نزاع‌های بین آنان که سبب شبهه در دین می‌گشت، خاتمه می‌داد و با پاسخ‌گویی خویش به آن‌ها، موازین و مقررات شریعت اسلامی و مبانی اعتقادی را برایشان تبیین و تثبیت می‌نمودند. «... وَالْقُرْآنَ الْحَكِيمَ، إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ، عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (یس، ۴ - ۱) «فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (زخرف، ۴۳) هرچند شأن نزول آیات فوق در مورد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌باشد، اما می‌توان این آیات را به تمامی ائمه معصومین علیهم السلام از جمله امام رضا علیه السلام نسبت داد؛ چرا که آنان پیش از ارشاد دیگران در حقیقت خود بر مسیر مستقیم قرار گرفته و از هدایت‌شدگان الهی بودند، اما در عین حال به هدایتگری مردمان نیز می‌پرداختند. ولی هرگز در راه ارشاد و هدایت، کسی را مجبور به قبول ایمان ننمودند: «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مِنَ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ» (یونس، ۹۹) «اگر پروردگارت می‌خواست، تمام آن‌ها را که در روی زمین هستند، همگی [از روی اجبار] ایمان می‌آوردند؛ آیا تو می‌خواهی مردم را مجبورسازی که ایمان بیاورند؟ (ایمان اجباری چه سودی دارد)».

۱۰-۳. تفکر و تعقل

تفکر، تدبیر، تعقل و خردورزی از اموری هستند که در سیره تربیتی امام رضا علیه السلام درخششی خاص دارد؛ به گونه‌ای که تجلی این درخشش بر کسی پوشیده نیست و در هیچ نظام فکری و عملی، به اندازه اسلام، بر این امور تأکید نشده است. به بیان امام خمینی رحمته الله علیه، تفکر، مفتاح ابواب و کلید خزائن کمالات و علوم است و مقدمه لازمه حتمیه سلوک انسانیت است. «(خمینی، ۱۶۵ - ۱۶۴) «اندیشیدن، نشانه، دلیل و راهنمای خردمند و عاقل است و هیچ عبادتی همسنگ اندیشیدن، در صنع خدای متعال نیست». (حرانی، ۲۸۸) امام رضا علیه السلام که تربیتش قرآنی است، تجلی تمام عیار آیات الهی بود و در سیره و منطق عملی ایشان، تفکر و تعقل بسیار مورد توجه قرار گرفته، تا جایی که می‌فرماید: «دوست هر کس عقل و خرد اوست و دشمنش جهل و نادانی او می‌باشد». (حرانی، ۲۷)

حضرت رضا علیه السلام به نقل از امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید: «أَنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ دَلِيلًا وَ دَلِيلَ الْعَقْلِ التَّفَكُّرُ» (کلینی، ۱۶/۱) «هر چیز نشانه و راهبری دارد که نشانه و راهبر عقل، تفکر است».

در بیش از سیصد آیه از قرآن، مردم به تفکر، تدبیر و تعقل دعوت شده‌اند و امام رضا علیه السلام نیز، که سیره تربیتی‌اش منطبق با آیات قرآن است، در تمام عرصه‌های زندگی به ویژه عرصه سیاسی، رفتاری کاملاً متفکرانه، حکیمانه و خردورزانه داشت: «الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ». (آل عمران، ۱۹۱)

از باب نمونه، پذیرش ولایتعهدی در دوران امامت ایشان یک موضع کاملاً عاقلانه در جامعه اسلامی بود که حضرت توانست تمام شیطنت‌ها و نقشه‌های مأمون را خنثی کند؛ چنانکه با استفاده از تفکر، تدبیر، تعقل و خردورزی خویش، با تشکیل مناظره‌ها و احتجاج‌های عقلانی، خردورزان را جذب خویش نموده و حتی آنان که امام‌رانی شناختند و یا بغض کینه حضرت را در دل داشتند، با این تدابیر حکیمانه، جزء عاشقان امام رضا علیه السلام می‌شدند. بنابراین، سیره تربیتی امام رضا علیه السلام بر تفکر و تعقل قرآنی، در همه امور استوار است و مدرسه تربیتی ایشان، همگان را به تفکر و تعقل فرا می‌خواند.

۱۰-۴. کناره‌گیری از دنیا

غلام هست آنم که زیر چرخ کبود

زهر چه رنگ تعلق پذیرد آزاد است

(حافظ شیرازی، ۵۷)

«کناره‌گیری از دنیا» و بی‌ رغبتی نسبت به آن که در فرهنگ اسلامی از آن به «زهد» تعبیر می‌شود، عبارتست از کوتاه کردن آرزوها و خالص کردن کردارها و آن گاه که انسان به دنیا پشت می‌کند و از رأس همه خطاها می‌گذرد، به قوت‌هایی دست می‌یابد که جز با زهد فراهم نمی‌شود و زمانی که انسان، حلقه میان خود و شیطان (دنیا) را حذف می‌کند، حجاب‌ها برداشته می‌شود و به معرفت‌ها و توانمندی‌هایی می‌رسد.

حجاب راه تویی حافظ از میان برخیز

خوشا کسی که در این راه بی‌حجاب رود

(حافظ شیرازی، ۶۳)

همه زهد، در دو جمله از قرآن آمده است. خدای سبحان می‌فرماید: «تا بر آن چه از دست شما رفت، اندوه نخورید و بدان چه شما را داد، شادمان نشوید» (حدید، ۲۳) «و آنکه بر گذشته دریغ نخورد و به آینده شادمان نباشد، هر دو جانب زهد را در اختیار گرفته است» (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۹)

همسر امام رضا علیه السلام، از زندگی داخلی ایشان این گونه تعریف می‌کند: «سادگی طبع، عبادت دور از ریا و زندگی به دور از تجملات متداول آن زمان، زندگی امام را تشکیل می‌داد» (عیون الاخبار الرضا، ۱/ ۱۷۸)

«محمدبن عباد» نیز درباره رفتار زاهدانه آن حضرت می‌گوید: «ابوالحسن علیه السلام در طول تابستان همواره بر روی یک بوریا و در طول زمستان بر روی یک لایه کاه می‌نشست. همیشه لباس زیر به تن می‌کرد، اما هنگامی که به دیدن مردم می‌رفت، بهترین لباسش را می‌پوشید» (ابن بابویه، عیون الاخبار الرضا، ۲/ ۱۷۸)

امام رضا علیه السلام در سیره تربیتی خویش، با استناد به این آیه شریفه: «اعْلَمُوا أَنَّ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا لَعِبٌّ وَهُوَ زِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ...» (حدید، ۲۰)

«بدانید زندگی دنیا، فقط بازی و سرگرمی و تجمل پرستی و فخرفروشی در میان شما و افزون طلبی در اموار و فرزندان است» از دنیا و زرق و برق فریبنده آن که یکی از موانع مهم بر سر راه تکامل معنوی انسان است، چشم‌پوشی می‌نماید. البته زهدی که در اسلام از آن تمجید شده، از نوع رهبانیت مسیحی، انزوای صوفیانه که ملازم ترک دنیا و گریز از جامعه و به دوش افکندن خرقة پشمینه و انتخاب زاویه خلوت و روی از خلق گرداندن و دست کشیدن از کار و زندگی می‌باشد، نیست؛ بلکه منظور، دوری جستن و پرهیز از تشریفات کاذب و کاستن از تخلفات دنیوی است. امام رضا (ع) زندگی زاهدانه خویش را بر همین اساس و از روی آگاهی و شناخت انتخاب فرموده بودند و در پاسخ کسانی که به زندگی ساده و زاهدانه حضرت، حتی در دوران ولایت عهدی مأمون ایراد می‌گرفتند، این آیه شریفه را بیان می‌فرمودند: «وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْعُرُورِ» (آل عمران، ۱۸۵) «و زندگی دنیا، چیزی جز کالای فریب نیست» و نیز می‌فرمودند: «فَلَا تُعْرَضِكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّتْكُمْ بِاللَّهِ الْعُرُورُ». (لقمان، ۳۳)

۱۱. نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر با توجه به آنچه در خصوص تطبیق سیره اخلاقی و تربیتی امام رضا (ع) با آیات قرآنی گفته شد، می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود:

۱. بینش ژرف و گرایش صادقانه سیره‌های اخلاقی و تربیتی امام رضا (ع)، بر پایه خدامحوری و انطباق آن با قرآن، به همگان آموخت که طرفداران وادی حق و سالکان راه او، همواره بر سه مولفه مهم اعتقاد صحیح، عمل صالح و اخلاق نیکو ملتزم هستند و در هیچ شرایطی، نسبت به آن‌ها اهمال نمی‌ورزند.

۲. تهذیب و تزکیه اخلاقی و تربیتی انسان‌ها از رذائل و آراستن ایشان به فضائل و مکارم اخلاقی، از اصول شرایع آسمانی و اهداف غایی انبیای الهی، از جمله علی بن موسی الرضا (ع) به شمار می‌رود که در جای جای سخنان و اعمال ایشان، انطباق این سجایای اخلاقی و تربیتی با قرآن، عیان و آشکار است.

۳. در جامعه عصر رضوی که ریا و حيله‌گری سلاطین قدرت، آثار سوء تربیتی

و اخلاقی و عقده‌های روانی دهشتناکی ایجاد کرده بود، جز تزریق مدارا، ملایمت و ملاحظت از جانب امام رضا علیه السلام در ارشاد و هدایت‌گری با مردم آن عصر، راه درمان دیگری وجود نداشت و در رسیدن به این مقصود، حضرت رضا علیه السلام تمامی تلاش خویش را به کار بست.

۴. در تطبیق سیره اخلاقی و تربیتی امام رضا علیه السلام با قرآن کریم، فرهنگ‌سازی دینی و بیدارگری به عنوان بارزترین سیره‌های رفتاری در منش و روش ایشان مشاهده می‌شود.

۵. از نگاه اسلامی، سیره اصلاح‌گرایانه اخلاقی و تربیتی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و قرآن و ائمه معصومین علیهم السلام، همچنین امام رضا علیه السلام، جمع بین اصالت و وظیفه و نتیجه است. هرچند امام رضا علیه السلام حکومتی تشکیل نداد و اگرچه گاهی معصومان به مبارزه و جنگ اقدام می‌کردند، اما اصل، چه در محتوای پیام و چه در شیوه عمل آن‌ها، به کارگیری بهترین و مؤثرترین روش‌های کلامی و رعایت تدریج در سیره‌های تربیتی و اخلاقی، در اقدامات آن‌ها بوده است.

۶. سرانجام، مطالعه سیره اخلاقی و تربیتی امام رضا علیه السلام که همگی منطبق بر قرآن است، به تمامی حقیقت جویان این وادی می‌آموزد که تاریخ گذشتگان، چراغ راه آیندگان است و تاریخ، عبرت‌گاهی آموزنده است که راه عزت، ذلت، صعود و یا سقوط را به ما می‌آموزد؛ چرا که اگر کسی گذشته خود را خوب نشناسد و آن را درست تجزیه و تحلیل نکند، در راه رسیدن به قله‌های کمال اخلاقی و تربیتی، دچار مشکل و سقوط خواهد شد.

منابع

۱. ابن شهر آشوب، ابی جعفر رشیدالدین (بی تا). مناقب آل ابی طالب، قم: انتشارات مصطفوی.
۲. اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی (۱۳۸۱ق). کشف الغمة فی معرفة الائمة، تبریز: انتشارات مکتب بنی هاشم.
۳. ابی ابن الحدید المعتزلی، عزالدین عبدالحمید بن هبة الله (۱۳۷۸ ق). شرح نهج البلاغه، به تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، انتشارات دارالاحیاء الکتب العربیة.
۴. ابن بابویه قمی، ابوجعفر محمدبن علی بن حسین (ملقب به شیخ صدوق) (بی تا)، عیون الاخبارالرضا، تهران: انتشارات صدر
۵. ابن بابویه قمی، ابوجعفر محمدبن علی بن حسین (ملقب به شیخ صدوق) (۱۳۹۸ق). التوحید، تصحیح سیدهاشم تهرانی، تهران: انتشارات مکتبةالصدوق.
۶. ابن شعبه حرّانی، ابومحمدالحسن بن علی بن الحسین، (۱۳۹۴ق). تحف العقول عن آل رسول، قم: انتشارات مکتبة بصیرتی.
۷. حافظ شیرازی، شمس الدین محمد (۱۳۴۶). دیوان اشعار، تهران: انتشارات علمی.
۸. خمینی، روح الله (۱۳۷۱). صحیفه نور، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۹. خمینی، روح الله (۱۳۷۳). چهل حدیث، تهران: انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.
۱۰. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۵). ارباب امانت، تهران: انتشارات دریا.
۱۱. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد (۱۴۰۴ ق). المفردات فی غریب القرآن، تحقیق محمد سیدگیلانی، انتشارات دارالمعرفة، بی جا.
۱۲. رزنجو، حسین (۱۳۷۲). دریچه ای گشوده بر آفتاب، قم: انتشارات دارالفکر.
۱۳. شریف قرشعی، باقر (۱۴۲۱ ق). النظام السیاسی فی الاسلام، انتشارات دارالتعارف، بی جا.
۱۴. فضل الله، محمدجواد (۱۳۸۳). تحلیلی از زندگانی امام رضا علیه السلام، ترجمه سید محمد صادق عارف، مشهد: انتشارات بنیاد پژوهش های اسلامی.

۱۵. مجتوی، سیدجلال‌الدین (۱۳۷۸). قرآن حکیم، تهران: انتشارات حکمت.
۱۶. قدیانی، عباس (۱۳۸۰). نگاهی کوتاه به زندگانی چهارده معصوم، تهران: انتشارات فردا به.
۱۷. کلینی رازی، ابی جعفر محمد بن یعقوب (۱۳۸۳). اصول کافی، تصحیح علی‌اکبر غفاری، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
۱۸. کارنگی، دیل (۱۳۸۵). آیین دوست‌یابی، ترجمه آذر محزون، تهران: انتشارات کتاب درمانی.
۱۹. لاهوری، محمداقبال (۱۳۴۳). کلیات اشعار فارسی، با مقدمه احمد سروش، تهران: انتشارات سنایی.
۲۰. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق). بحارالانوار، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
۲۱. مولوی، جلال‌الدین (۱۳۷۴). مثنوی معنوی، تهران: انتشارات طلوع.
۲۲. معین، محمد (۱۳۶۰). فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۳. الموسوی، ابوالحسن محمد بن حسین (۱۳۷۱). نهج البلاغه - شریف الرضی - ترجمه اسدالله مبشری، تهران: انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۴. نراقی، احمد (۱۳۳۲). معراج السعاده، تهران: انتشارات کتابفروشی اسلامی.

